

قاضی ابوعلی محسن تنوخی

فرج بعد از شدت

ترجمه

حسین بن اسعد دهستانی

به سعی

محمد قاسم زاده

ویراستار

احسان موسوی خلخالی



انتشارات نیلوفر

فهرست

- ۷..... یادداشت ویراستار
- ۹..... پیشگفتار
- ۱۳..... یک کتاب فراموش شده
- ۲۵..... مقدمه
- ۳۳..... باب اول
در ذکر فرج بعد از الشدة در آیات قرآنی و کلام صمدانی که به برکات آن از ورطه‌های خطرناک خلاص یافته و به یمن آن از معرض خوف و هلاکت به مقاصد و امانی رسیده.
- ۵۵..... باب دویم
در ذکر آثار و شرح اخباری که مشتمل است بر ذکر جماعتی که محنت و بلا کشیدند و عاقبت به نعمت و آسانی رسیدند
- ۷۹..... باب سوم
حکایت حال جماعتی که به فال نیک یا به دعای خوب یا سخن خوش، شدت ایشان به فرج انجامید و محنت ایشان به نعمت بدل گشت. و این باب چهل و سه حکایت است.
- ۱۲۵..... باب چهارم
در احوال کسانی که پادشاهی با ایشان غضب بود. به سخن راست او را به سر عاطفت و شفقت آوردند و آن بلیت و مکروه که به ایشان خواست رسید، به نصیحت و وعظ از خود دفع کردند.
- ۱۶۷..... باب پنجم
در ذکر جماعتی که به حبس و زندان گرفتار بودند و خدای تعالی اعتقال ایشان را به حُسن حال مبدل گردانید و از آن ورطه و بلا، گشایش ارزانی فرمود
- ۲۴۷..... باب ششم
در احوال کسانی که به شدت محنت مبتلا بودند و از روح و راحت جدا و به رؤیای صادق و خواب نیک، آن غم به شادی و آن بند به آزادی مبدل گشت

یک کتاب فراموش شده

ترجمه فارسی کتاب الفرج بعد الشدة*

تألیف حسین بن اسعد مؤیدی دهستانی

عباس اقبال آشتیانی

یکی از کتب بسیار مشهور در ادبیات عربی و فارسی کتاب الفرج بعد الشدة است که اصل عربی آن تألیف قاضی ابوعلی محسن بن علی بن محمد تنوخی (۳۲۹-۳۸۴ق) است که در دو جلد در سال‌های ۱۹۰۳ و ۱۹۰۴ میلادی در قاهره به طبع رسیده.

کتاب فرج بعد الشدة قاضی تنوخی را تا آنجا که ما می‌دانیم دو نفر به فاصله‌ای قریب به چهل- پنجاه سال از زبان عربی به فارسی نقل کرده‌اند. یکی سدیدالدین محمد عوفی، مؤلف معروف دو کتاب لباب الألباب و جوامع الحکایات که آن را در حدود سال ۶۲۰ به فارسی برگردانده ولی تاکنون نسخه‌ای از آن دیده نشده اما خود مؤلف در کتاب دیگر خویش یعنی جوامع الحکایات مکرر از آن نقل می‌نماید. دیگری حسین بن اسعد مؤیدی دهستانی که ترجمه او خوشبختانه در دست است و غرض ما هم از نوشتن این مقاله بحث در باب همین ترجمه اوست.

دهستانی در مقدمه ترجمه خود چنین می‌نویسد:

«رای ارباب معنی و اصحاب هنر چنان اقتضا کرده که در این معنی که ایزد سبحانه و تعالی اهل این زمانه را بعد از آنکه به شدت و بلا و محنت و عنا مبتلی بودند سبب سعادت و عنایت و تربیت آن دستور صاحب قران^۱ به دولت و فراغت و رفاهیت رسیدند و از آن شدت فرج و از آن مضیق مخرج ارزانی داشته است مجموعه از نظم و نثر پرداخته

* مجله یادگار، سال پنجم، شماره ۶-۷، بهمن و اسفند ۱۳۲۷.

۱. یعنی صاحب عزالدین طاهر فریومدی وزیر خراسان که بلافاصله در متن مقاله ذکر او آمده است.

گردد تا در مستقبل روزگار کسانی که به محنتی و شدتی گذشته وقوف یابند و ثوق ایشان به کرم ایزد سبحانه و تعالی در امید گشایش آن شدت مضاعف شود و به اتفاق تألیف این تاریخ و تصنیف این مجموعه را به منشی این کلمات حسین بن اسعد بن الحسین الدهستانی المؤیدی... کردند».

این ترجمه را مؤیدی چنانکه خود در ضمن همین مقدمه می‌گوید به نام «معدن العلم والعطاء مرکز العز والعلاء عزالدین والدین علاء الاسلام والمسلمین المخصوص بعناية رب العالمین طاهرین زنگی فریومدی» ساخته و پرداخته است.

قبل از اینکه در بحث در باب ترجمه دهستانی داخل شویم لازم می‌دانیم که این عزالدین طاهر زنگی و خاندان او را معرفی کنیم.

۱- خاندان زنگی

عزالدین ابوالطیب طاهرین زنگی بن طاهر فریومدی سبزواری از محتشمین خراسان و از وزرای نامدار آن دیار بوده.

ابن الفوطی در کتاب مجمع الآداب فی معجم الألقاب از قول استاد خود خواجه نصیرالدین طوسی در باب او چنین نقل می‌کند که عزالدین طاهر از فرزندان طاهرین حسین خزاعی ذوالیمینین بود و در عصر خود بر همه سمت تقدم داشت و در خراسان وزیر امیر ارغون آقا (حکمران مغولی خراسان و مازندران از ۶۴۱ تا ۶۵۴ق) بود و در همه کار اختیار حل و عقد و اخذ و رد داشت.

عزالدین طاهر فریومدی در وزارت خراسان و مازندران دوش به دوش خواجه بهاءالدین جوینی صاحب دیوان پدر خواجه شمس‌الدین و عطاملک صاحب تاریخ جهانگشای جوینی عهده‌دار اداره امور امیر ارغون آقا بود و خاندان او با خاندان جوینی بستگی تمام داشتند و امیر ارغون آقا هر وقت که به اردوی بزرگ یعنی به خدمت خان مغول می‌رفت خواجه عزالدین طاهر را به نیابت خود در خراسان و مازندران می‌گذاشت.

بعد از آنکه در سال ۶۵۳ هولاگو برای دفع اسماعیلیه و تسخیر بغداد به خراسان آمد، امیر ارغون آقا به خدمت او شتافت و عمال زیر دست خود از جمله خواجه عزالدین و عطاملک جوینی را به او معرفی نمود و ایشان تماماً در خدمت هولاگو داخل گردیدند و از ایشان چنانکه می‌دانیم خواجه شمس‌الدین جوینی و برادرش عطاملک در دستگاه هولاگو به ترقیات عظیم نایل آمدند و خواجه عزالدین طاهر هم که با ایشان مناسبات بسیار خوب